



گوهری که ضرورت دین است

علی اکبر عالمیان



اشاره:
بی شک، مسئله حجاب و عفت از اصلی ترین و مهم ترین مسائلی است که مورد توجه و عنایت ویژه دین مبین اسلام قرار گرفته است. از صدر اسلام تا به امروز، همواره شناختن ارزش و شخصیت زن مسلمان، به میزان پایبندی وی به حجاب و عفاف سنجیده می شود. هر چند عده ای غافل، بر این گمان بوده اند که حجاب امری جانبی و حاشیه ای است و نمی توان از آن به عنوان یک مسئله اصلی و ضروری نام برد، اما واقعیت آن است که حجاب یک ضرورت دینی است. در این مقال کوشیده ایم تا با نگاهی دوباره به این ضرورت دینی، آن را از سه منظر: شریعت، فطرت و اجتماع مورد تبیین قرار دهیم تا در پایان به این نتیجه برسیم که حجاب یک ضرورت دینی است و نه مسئله ای حاشیه ای.

نگاهی به واژه و انواع حجاب

کلمه حجاب از نظر لغت مترادف واژه عربی «سُتْر» است که به معنای پوشیدن، پوشش، حائل، پرده، حاجب و مانع است. معنای اصطلاحی حجاب نیز همان پوشش اسلامی است و معنای پوشش اسلامی براساس آنچه از متون اسلامی مثل قرآن و احادیث استفاده می‌گردد، این است که بانوان هنگام مواجهه و معاشرت با افراد نامحرم، بدن خود را بپوشانند و به جلوگیری و خودنمایی نیز نپردازند. بنابراین، حجاب به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است؛ بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن حرام بودن خودنمایی در مواجهه با نامحرم است و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشد تا حجاب اسلامی محقق شود.

حجاب و پوشش، به تناسب اوضاع و شرایط و انگیزه‌ها و نیت‌ها و افکار و اندیشه‌های شخصی که از آن استفاده می‌کند، دارای انواع مختلفی است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. حجاب تحمیلی: مقصود از حجاب تحمیلی، حجابی است که از سوی دیگران بر شخص تحمیل می‌گردد و خود فرد اعتقادی به آن ندارد، به طوری که با کم شدن یا برداشته شدن فشارهای روحی و اجتماعی، فرد خود را از پابندی به آن آزاد می‌داند.
۲. حجاب تقلیدی: حجاب آن شخصی است که با تقلید از خانواده و اطرافیان به طور اجمالی و سر بسته ارزش‌های سنتی خانواده یا اجتماع را درباره حجاب پذیرفته است، ولی هنوز وارد حوزه تعقل و استدلال نشده است و برای نحوه حجاب و پوشش خود دلیل و برهانی ندارد.
۳. حجاب مصلحتی محض: حجاب کسی است که به دلیل مبانی فکری و عقیدتی یا ذوقی و سلیقه‌ای خود اعتقادی به حجاب ندارد، ولی در عین حال حجاب را رعایت می‌کند، زیرا معتقد است که صحیح نیست به ارزش‌های مورد قبول و پذیرفته شده جامعه بی‌اعتنایی شود، چون رعایت مصالح اجتماعی بر نظرات و سلیقه شخصی مقدم است.
۴. حجاب استدلالی: حجاب فردی است که به مدد فکر، اندیشه و عقل‌ورزی به حجاب و پوشش روی آورده و خود را به آن پایبند و ملتزم ساخته است و برای انتخاب خود استدلال دارد. علم و آگاهی و سرافرازی، ویژگی بارز چنین حجابی است.^۱

واژه حجاب در قرآن

واژه حجاب در قرآن کریم هفت بار ذکر شده است و معنا و مفهوم کلی آن، چیزی است که مانع دیده شدن چیز دیگری شود. البته، مراد از مانع، در برخی آیات، مانع مادی و در بعضی آیات دیگر مانع معنوی است. موارد زیر اعم از مادی و معنوی است.

۱. فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ.^۲ در این آیه مراد از «تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» پنهان شدن آفتاب است. پس مقصود از حجاب در این آیه، مانع مادی است.

۲. فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا.^۳ برخی از مفسران گفته‌اند مقصود از حجاب در این آیه، دیوار است. بنابراین، مراد از حجاب در این آیه نیز مانع مادی است.^۴

۳. وَ بَيْنَهُمَا حِجَابٌ.^۵ مراد از حجاب در این آیه را نیز می‌توان حایلی میان بهشتیان و دوزخیان در نظر گرفت که مانع دیدن می‌شود.

۴. و ما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحياً أو من وراء حجاب.^۶ در اینجا از کلمه حجاب مجازاً از آن به مکالمه از پشت پرده تعبیر شده است. مراد از حجاب در این آیه، مانع معنوی است.

۵. و من بيننا و بينك حجابٌ.^۷ مراد از حجاب در این آیه، اختلاف کافران با پیامبران و نیز مخالفت کردن است.

۶. و اذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجاباً مستورا.^۸ مراد آیه این است که به دلیل وجود پرده معنوی کفر در کافران، آن‌ها معنای قرآن را درک نمی‌کنند. بنابراین معنای حجاب در این آیه نیز مانع معنوی است.

۷. و اذا سألتهم عن متاعاً فسئلوهم من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم و قلوبهم.^۹ مراد از حجاب در این آیه نیز پوششی است که مانع دیده شدن می‌گردد.^{۱۰}

این نکات، بیشتر مُشعر به اشاره قرآن به واژه «حجاب» است و اگر بخواهیم اصطلاح حجاب در قرآن را مورد ارزیابی قرار دهیم، محتاج مبحث جداگانه‌ای است که در ادامه و در قالب بحث ضرورت حجاب به آن خواهیم پرداخت.

حجاب؛ ضرورت دین

بی‌گمان، حجاب را باید ضرورت دین دانست و نه یک مسئله حاشیه‌ای و اعتقاد جانبی. این مسئله را می‌توان از سه منظر مورد تأکید قرار داد.

الف) حجاب در آیات و روایات

همان‌گونه که گفته شد، منظور از دینی بودن مسئله حجاب، ریشه داشتن آن در سنت است که به امر الهی و دستوره‌های معصومین (ع) شاکله‌ای کاملاً دینی و ارزشی پیدا کند. هر چند صدها آیه و روایت در مورد اهمیت مسئله حجاب وجود دارد، اما با توجه به محدودیت مجال و مقال و پرهیز از تطویل و اطناب، به چند نمونه آن اشاره می‌گردد:

۱. حجاب از نگاه قرآن

برای وجوب حجاب و حدود آن، به چهار آیه که صراحت بر آن دارند، تمسک شده است. این چهار آیه عبارتند از: آیه ۳۰ سوره نور و آیات ۵۹، ۲۳ و ۳۳ سوره احزاب. در آیه سی ام سوره نور، خداوند خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است - آشکار نسازند و روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشیده شود) و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان و سایر افراد محرم‌شان... در این آیه به چهار موضوع در رابطه با حجاب و حفظ حریم عفت تصریح شده است؛ اول آن‌که زنان باید دیدگان خود را از نگاه به نامحرمان ببندند، دوم آن‌که زنان باید دامن خود را از هرگونه عوامل بی‌عفتی حفظ نمایند، سوم آن‌که زنان باید زینت خود را جز آن مقدار که به طور قهری آشکار است، آشکار نسازند و چهارم آن‌که آنان باید روسری‌های خود را بر سینه خود بیفکنند.

در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز خداوند به پیامبر تأکید می‌کند: ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو که جلباب‌ها (روسری‌های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است. در آیات ۳۲ و ۳۳ این سوره نیز خداوند به همسران پیامبر سفارش می‌کند که: «شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید، پس به گونه هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید.»

غیر از این چهار آیه شریفه، آیات دیگری نیز وجود دارد که بر حفظ حجاب و عفت تأکید می‌نمایند.^{۱۱}

۲. ضرورت حجاب از نگاه روایات

روایات متواتره فراوانی نیز در مورد اهمیت و ضرورت حجاب وارد شده است که به اختصار به یک نمونه آن اشاره می‌شود. امیرالمؤمنین (ع) در ضمن گفتاری به فرزندش امام حسین (ع) می‌فرماید: و از طریق حجاب و پوشش بانوان، آن‌ها را ببوشان؛ چرا که رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به طور

سالم تر و پاک‌تر، حفظ خواهد کرد.^{۱۲}

پرواضح است که از منظر شریعت، حجاب یک مسلمان، اصلی غیر قابل انکار است که باید همواره مورد توجه و عمل قرار گیرد.

ب) حجاب؛ مسئله‌ای فطری

پوشش زنان و مردان و به ویژه زنان، قبل از هر چیز از خواسته‌های فطرت پاک و ساختار وجودی ذاتی آن‌ها است، زیرا از همان آغاز خلقت بشر، هر یک از زن و مرد کوشیدند تا به هر نحو ممکن خود را ببوشانند، بی‌آنکه قبلاً در این مورد، آموزش ببینند. این موضوع بیانگر آن است که در نهاد انسان، عامل بازدارنده و هدایت‌کننده‌ای به نام «حیا» وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرهای و انحراف‌ها حفظ کند و او را به راه صحیح هدایت نماید؛ بر همین اساس در قرآن آمده: هنگامی که آدم و حوا پس از چشیدن از آن درخت بهشتی که از آن نهی شده بودند، از مقامشان فرود آمدند، خود را برهنه یافتند. شروع کردند با قرار دادن برگ‌های بهشتی بر یکدیگر، همدیگر را ببوشانند.^{۱۳} آدم و حوا قبل از این ماجرا برهنه نبودند، بلکه دارای نوعی از پوشش بهشتی بودند، ولی بر اثر خطا، آن کرامت و پوشش بهشتی، از تن آن‌ها فرو ریخت و وقتی که خود را از آن کرامت برهنه یافتند، با شتاب سعی کردند همدیگر را ببوشانند. سرعت در پوشیدن خود با برگ‌های بهشتی، بیانگر آن است که پوشش برای زن و مرد، یک امر فطری و ذاتی است و بشر برای پاسخ دادن به ندای فطرت، خود را ناگزیر از پوشش می‌داند. این ماجرای قرآنی، بیانگر فطری بودن موضوع پوشش است و بیانگر آن است که دستور پوشش از خاستگاه ساختاری انسان سرچشمه می‌گیرد.^{۱۴}

لازم به ذکر است که عقل و فطرت ممکن است ضرورت چیزی را به طور کلی تشخیص دهند، اما حدود دقیق آن را شرع تعیین می‌کند، نه عقل و فطرت.

ج) حجاب؛ مسئله‌ای اجتماعی

حجاب را باید مسئله‌ای اجتماعی دانست. از این رهگذر، می‌توان مقوله حجاب را در سه گزینه «آرامش خاطر»، «استحکام پیوند خانوادگی» و «استواری اجتماع» مورد تأکید قرار داد.

در نهاد انسان، عامل بازدارنده و هدایت‌کننده‌ای به نام «حیا» وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرها و انحراف‌ها حفظ کند و او را به راه صحیح هدایت نماید.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که حجاب یک ضرورت است، ضرورتی که ریشه در آموزه‌های دینی دارد. از نگاه شریعت، عقل، فطرت و اجتماع، حجاب یک مسئله مهم و ضروری به شمار می‌آید. می‌توان گفت که برخلاف القائات انانی که حجاب و عفاف را یک مسئله غیر ضروری و حاشیه‌ای می‌دانند، می‌توان از چهار مؤلفه فوق، خلاف این القائات را اثبات کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مهدی‌زاده، حسین؛ پرسمان حجاب: قم: مؤسسه فرهنگی صهبای یقین، ۱۳۸۶؛ صص ۲۶-۲۳
۲. سوره ص، ۳۲
۳. مریم، ۱۷
۴. طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ذیل آیه مذکور
۵. اعراف، ۴۶
۶. شوری، ۵۱
۷. فصلت، ۵
۸. اسراء، ۴۵
۹. احزاب، ۵۳
۱۰. شهیدی، سیدجعفر؛ حجاب در قرآن؛ پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۶، ص ۷۴
۱۱. محمدی اشتهاردی، محمد؛ حجاب بیانگر شخصیت زن؛ قم: انتشارات ناصر، ۱۳۷۵؛ صص ۴۷-۲۹
۱۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱
۱۳. اعراف، آیه ۲۲
۱۴. اشتهاردی؛ پیشین؛ صص ۷۰-۶۹
۱۵. مطهری، مرتضی؛ مسئله حجاب؛ صص ۸۸-۸۴
۱۶. همان؛ صص ۸۹-۸۸
۱۷. همان؛ صص ۹۳-۹۲

۱. آرامش خاطر: نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار؛ هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می‌بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع‌نشده در می‌آورد. اسلام به قدرت شکرگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است و تدابیری را برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است، مانند: زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم‌چرانی کنند، نباید نگاه‌های مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند و ... یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن اینست که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند.^{۱۵}

۲. استحکام پیوند خانوادگی: شک نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در اینجا باید حداکثر کوشش مبذول شود و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان شود، به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص، از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.^{۱۶}

۳. استواری اجتماع: کشاندن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند و بی‌حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی، موجب فلج کردن نیروی اجتماع است. آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او است، حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار و بی‌عبار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشاندن بدن به استثناء وجه و کفین، مانع هیچ‌گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماعی است، آلوده کردن محیط کار به لذت‌جویی‌های شهوانی است.^{۱۷}

منظور از دینی بودن مسئله حجاب، ریشه داشتن آن در سنت است که به امر الهی و دستورهای معصومین (ع) شاکله‌ای کاملاً دینی و ارزشی پیدا کند.